



دانشگاه مازندران

دانشگاه مازندران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

موضوع:

بررسی تطبیقی زمینه‌های ظهور اسلام سیاسی در ایران و ترکیه

(با تاکید بر زمینه‌های اجتماعی - سیاسی)

استاد راهنما:

دکتر: حسین رفیع

استاد مشاور:

دکتر: محمد سالار کسرائی

نام دانشجو:

خالد سهرابی

بهمن ماه ۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

موضوع:

بررسی تطبیقی زمینه‌های ظهور اسلام سیاسی در ایران و ترکیه
(باتاکید بر زمینه‌های سیاسی - اجتماعی)

استاد راهنما:

دکتر: حسین رفیع

استاد مشاور:

دکتر: محمد سالار کسرائی

اساتید داور:

دکتر مهدی رهبری

دکتر محمد تقی قزلسفلی

نام دانشجو:

خالد سهرابی

بهمن ماه ۱۳۸۷

سپاسگزاری

بی تردید پژوهش حاضر بدون کمک و راهنمایی اساتید ارجمندم در دانشگاه مازندران و پژوهشکده امام خمینی (ره) در تهران میسر نمی شد. آنچه در این دوران از آنان آموختم به نوعی در این پژوهش انعکاس یافته و خود حاکی از دین من به آنها می باشد. اما در تدوین پژوهش اساتید محترم راهنما و مشاور با ارائه نقد، نکته و راهنماییهای ارزشمند موجب پیشرفت این پژوهش شده اند. اینجا لازم می دانم از استاد محترم راهنمای پژوهش جناب دکتر حسین رفیع که با راهنماییهای ارزشمندشان مرا در هرچه غنی تر کردن پژوهش راهنما بودند، تشکر نمایم. هم چنین از استاد ارجمند مشاورم جناب دکتر محمد سالار کسرابی که در مراحل تدوین پژوهش که اشراف کامل بر آن داشتند و در اوقات مختلف حتی در ایام تعطیل مرا راهنمایی کرده اند، تشکر نمایم. ضمن تقدیر و سپاسگزاری از اساتید راهنما و مشاورم، بدون تردید ضعفها و نقص های پژوهش به نگارنده بر می گردد و آنان در تکمیل و امتیازات پژوهش سهیم بوده اند.

تقدیم به:

شهیدان قارنه، حلبچه ...

به پدرم که به من درس استغناء در کمال احتیاج آموخت

و مادر مهربانم که سوختن برای ساختن را برایم هجی کرد

به همسر قدرشناسم که با شکیبایی به تمام مرارتها و ناملایمات زندگی لبخند زد.

چکیده:

هنگام بحث درباره ظهور هویت اسلام سیاسی در قرن بیستم، تجربه شکل‌گیری کانون‌های مقاوم هویت دینی در جوامع اسلامی در تقابل با هویت غربی به ذهن‌خطور می‌کند. از میان جوامع اسلامی، ایران با مذهب تشیع و ترکیه با مذهب تسنن شاهد احیاء و بر ساختن هویت دینی هستیم؛ که اسلام‌گرایان با دو رویکرد متفاوت در ایران با گرایش رادیکالیسم و ترکیه با گرایش لیبرالیسم موفق به اخذ قدرت سیاسی شدند. در پژوهش حاضر این پرسش مطرح شده است که زمینه‌های متفاوت ظهور اسلام سیاسی در ایران و ترکیه با تکیه بر مقطع زمانی ۱۹۶۰ به بعد که منجر به دو رویکرد متفاوت رادیکالیسم و لیبرالیسم شد؛ چه بود؟ نگارنده در پاسخ به این پرسش پس از بحث نظری در چارچوب تئوری مانوئل کاستلز در مورد منشأ هویت اجتماعی، با توجه به احیای هویت دینی در دو کشور مزبور، از میان سه راه بر ساختن هویت، ظهور هویت دینی در این دو کشور، مطابقت زیادی با صورت و منشأ هویت مقاومت کاستلز داشت (یعنی هویتی که از طرف منطق سلطه بی ارزش دانسته می‌شود) به آزمون می‌گذارد.

در پی این بررسی استدلال می‌کند که تشابه این دو کشور در هدایت‌نوسازی بر اساس هویت غربی همراه با برنامه‌ریزی‌های دولت برای ایجاد اصلاحات و به حاشیه‌رانی هویت دینی، سلطه و تمرکز قدرت حاکمان سیاسی تشابه در ظهور هویت‌های جدید را شامل می‌شود. تفاوت‌های این دو روند ظهور هویت جدید در مرجعیت و داعیه قوی دخالت دین در سیاست ایران و مبانی اندیشه‌های سیاسی تشیع و تسنن در دوران‌های تاریخی تحول جستجو نمودیم و گفتیم در جامعه ایران بنا به بحرانی شدن سکولاریسم و دوره دموکراتیزاسیون در راستای نوسازی پهلویسیم زمینه‌های ظهور اسلام سیاسی رادیکال فراهم شد. ولی در ترکیه بنیان سکولاریستی که در راستای لائیسیم آتاتورک نهاده شد اگر با بحران مواجهه شد مقطعی بود؛ و گفتیم تقابل هویت دینی با هویت غربی و نوسازی در چارچوب سلطه لائیسیم بعد از ۱۹۴۵ مسیری را در پیش گرفت که با احیای هویت دینی در دهه ۱۹۶۰ و فراهم شدن بسترهای تسامح هویت‌ها در ترکیه زمینه‌های لیبرالیسم در دهه‌های بعد هر چه بیشتر فراهم گردید. لذا برای بررسی و آزمون فرضیه پژوهش در هفت فصل تنظیم می‌شود.

واژه‌های کلیدی: هویت، ایران، ترکیه، اسلام سیاسی، سکولاریسم، مدرنیسم، لائیسیم، لیبرالیسم، اسلام‌گرایی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱	۱-۱) طرح مسأله.....«
۲	۲-۱) سؤال اصلی پژوهش.....«
۲	۳-۱) فرضیه پژوهش.....«
۲	۴-۱) مفاهیم پژوهش.....«
۴	۵-۱) هدف پژوهش.....«
۴	۶-۱) روش پژوهش.....«
۵	۷-۱) حدود پژوهش.....«
۶	۸-۱) سازماندهی پژوهش.....«

۷	فصل دوم: بررسی ادبیات موجود
۸	مقدمه
۹	۱-۲. آثار و پژوهش‌های اسلام‌گرایی
۱۷	۲-۲. پیشینه پژوهش‌های اسلام‌گرایی در ایران
۱۹	۳-۲. پیشینه پژوهش‌های اسلام‌گرایی در ترکیه
۳۰	فصل سوم: مبانی نظری و روش
۳۱	مقدم
۳۲	۱-۳. تعاریف و مبانی نظری هویت
۳۵	۲-۳. مبانی نظری هویت اجتماعی
۴۰	۳-۳. هویت اجتماعی از نظر مانوئل کاستلز
۴۴	فصل چهارم: اسلام سیاسی در ایران
۴۵	مقدمه
۴۷	۱-۴. مبانی اندیشه سیاسی تشیع
۵۲	۲-۴. ظهور هویت‌های جدید
۵۵	۳-۴. مدرنیسم و چالش‌های هویتی در ایران
۶۴	۴-۴. ریشه اسلام سیاسی در ایران معاصر
۶۵	۵-۴. جریان‌ها و گروه‌های فکری - سیاسی ایران قبل از دهه ۱۳۴۰ ه.ش
۶۹	۶-۴. جریان‌ها و گروه‌های فکری - سیاسی ایران بعد از دهه ۱۳۴۰ ه.ش
۷۲	۷-۴. نظریه ولایت فقیه
۷۴	۸-۴. پیشینه تاریخی نظریه ولایت فقیه
۷۸	۹-۴. ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)
۸۱	۱۰-۴. زمینه‌های قدرت گرفتن اسلام‌گرایان در ایران
۸۶	۱۱-۴. خلاصه فصل
۸۸	فصل پنجم: اسلام سیاسی در ترکیه
۸۹	مقدمه
۹۱	۱-۵. جامعه و نظام لائیک
۹۲	۲-۵. تجربه لائیسزم در ترکیه

۹۴.....	۳-۵.اسلام در ترکیه.....
۹۹.....	۴-۵.برساختن هویت دینی در عرصه روشنفکری دینی.....
۱۰۳.....	۵-۵.تقابل روشنفکری لائیک با روشنفکری اسلامی.....
۱۰۵.....	۶-۵.در عرصه احیای شعائر دینی در جامعه.....
۱۰۸.....	۷-۵.در عرصه فرهنگ و ابزار فرهنگی.....
۱۱۱.....	۸-۵.در عرصه مدارس و دانشگاهها.....
۱۱۵.....	۹-۵.در عرصه حضور در اقتصاد ترکیه.....
۱۱۶.....	۱۰-۵.در عرصه گروهها و جمعیت های اسلامی.....
۱۱۸.....	۱۱-۵.در عرصه احزاب سیاسی اسلامی.....
۱۲۰.....	۱۲-۵.اسلام گرایان در عرصه به دست گرفتن قدرت سیاسی.....
۱۲۲.....	۱۳-۵.اسلام گرایان در عرصه نظام بین الملل.....
۱۲۴.....	۱۴-۵.نوسازی کمالیستی و احیای هویت دینی در جامعه ترکیه.....
۱۲۵.....	۱۵-۵.عملکرد احزاب سیاسی و احیای هویت دینی در ترکیه.....
۱۳۲.....	۱۶-۵.طریقت ها و احیای هویت دینی.....
۱۳۵.....	۱۷-۵.آموزه های اندیشه لائیک و هویت دینی.....
۱۳۶.....	۱۸-۵.رویکرد هویت دینی در ترکیه به لیبرالیسم.....
۱۴۰.....	۱۹-۵.خلاصه فصل.....
۱۴۱.....	فصل ششم: بررسی زمینه های سیاسی و اجتماعی اسلام سیاسی در ایران و ترکیه.....
۱۴۲.....	مقدمه.....
۱۴۳.....	۱-۶.تحول در زمینه ها و شاخص های اجتماعی و هویت دینی در ایران.....
۱۴۹.....	۲-۶.نوسازی و مدرنیزاسیون پهلویسم و هویت دینی.....
۱۵۵.....	۳-۶.زوال دموکراسی سکولار و برساختن هویت مقاومت.....
۱۶۱.....	۴-۶.کودتای ۲۸ مرداد و هویت دینی.....
۱۶۵.....	۵-۶.مدرنیزاسیون و هویت مذهبی در ایران.....
۱۷۰.....	۶-۶.مدرنیسم و سکولاریسم آمرانه محمد رضا شاه.....
۱۷۱.....	۷-۶.زمینه های اجتماعی - سیاسی شکل گیری اسلام سیاسی در ایران.....
۱۷۸.....	۸-۶.تأثیرناکامی ایدئولوژی های غیر دینی بر هویت دینی در ترکیه.....
۱۸۱.....	۹-۶.شکست پروژه مدرنیزاسیون و احیای هویت اسلام گرایان در ترکیه.....

۱۸۴.....	۱۰-۶. خیزش اسلام سیاسی در ترکیه.....
۱۸۵.....	۱۱-۶. عوامل محدود کننده اسلام گرایان ترکیه.....
۱۸۸.....	فصل هفتم: بررسی یافته‌های تحقیق و نتیجه گیری.....
۱۹۴.....	منابع و مآخذ.....
۱۹۴.....	الف) منابع فارسی و عربی.....
۲۰۰.....	ب) منابع لاتین.....
۲۰۲.....	چکیده انگلیسی.....

فهرست جداول

۱۱۱.....	جدول شماره ۱-۵. تحولات تاریخی مراکز «امام- خطیب» در ترکیه.....
۱۲۸.....	جدول شماره ۲-۵. نتایج انتخابات پارلمانی ترکیه در ۱۲ سال گذشته و سیر صعودی و نزول اسلام گرایان.....
۱۴۴.....	جدول شماره ۱-۶. برآورد رشد جمعیت شهر و روستای ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷.....
۱۴۵.....	جدول شماره ۲-۶. تعداد نقاط شهری کشور و تغییرات آنها ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵.....
۱۴۸.....	جدول شماره ۳-۶. سیر صعودی مهاجرت به تهران.....
۱۹۳.....	جدول شماره ۱-۷. مقایسه ایران و ترکیه.....

فهرست نمودارها

۴۳.....	نمودار شماره ۱-۳. چارچوب مفهومی نظریه کاستلز.....
۶۳.....	نمودار شماره ۱-۴. فرایند ظهور هویت های سنتی در مواجهه با هویت غرب.....
۶۷.....	نمودار شماره ۲-۴. جریان های فکری- سیاسی قبل از انقلاب ۵۷.....
۷۱.....	نمودار شماره ۳-۴. جریان های فکری- سیاسی بعد از انقلاب ۵۷.....
۷۶.....	نمودار شماره ۴-۴. پارادایم های سیاسی شیعه در دوران غیبت.....
۱۲۱.....	نمودار شماره ۱-۵. صورت بندی شکاف جامعه ترکیه.....
۱۲۳.....	نمودار شماره ۲-۵. چرخه تحول در سیاست داخلی ترکیه.....
۱۳۱.....	نمودار شماره ۳-۵. استحاله جریان اسلام گرایان در ترکیه.....
۱۳۴.....	نمودار شماره ۴-۵. تأثیر طریقت ها بر رویکرد احزاب سیاسی.....
۱۵۰.....	نمودار شماره ۱-۶. صورت بندی شکاف جامعه ایران.....
۱۶۸.....	نمودار شماره ۲-۶. عوامل و مراحل انقلاب ایران.....

طرح مسأله

اسلام سیاسی براساس تمسک به اصول بنیادین اسلامی بویژه، در چند دهه اخیر در جهان اسلام فعال شده است؛ و در آن از تعابیر اسلامی برای تبیین و توضیح وضعیت سیاسی جامعه استفاده شده، و بازگشت به هویت اسلامی تنها راه حل بحران های جامعه معاصر تلقی می شود؛ هدف اصلی آن بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی است. درنگرش کلان، گفتمان اسلام سیاسی در بسیاری از مناطق جهان اسلام نفوذ کرده است. با این حال اسلام سیاسی در جهان اسلام براساس منطق گفتمانی وجوه همسانی و تمایز، به رغم تعلق به هویتی واحد در برابر مدرنیسم غربی، همانند تنوع درونی دیگر هویت ها، در درون خود با تمایزات و تنوعاتی مواجه است و می توان از جریانات مختلف اسلام سیاسی سخن گفت. و در بسیاری از موارد در قالب احزاب و جنبش های سیاسی به مرام و ایدئولوژی سیاسی تبدیل شده است.^۱

حال از جریانات فعال و تأثیرگذار اسلام سیاسی، ظهور اسلام سیاسی در ایران و ترکیه است. اسلام سیاسی در ایران هر چند در مبارزات مصلحان و اندیشمندان مسلمان ایرانی در طول بیش از یک قرن گذشته ریشه دارد، اما با کودتای ۱۲۹۹ رضا شاه و سقوط قاجارها در ۱۳۰۴ جامعه سنتی ایران با وضعیتی مواجه شد که موجب تجدید حیات حوزه های علمیه به یک نهاد غیر دولتی قدرتمند با استقلال مالی و نفوذ اجتماعی گسترده شد که در تاریخ معاصر ایران بی سابقه بود، اما بعد از ۱۳۲۰ با وجود کاهش نسبی فشارها و به حاشیه راندن علما و روحانیان نسبت به دوره رضا شاه، در عمل می بینیم بعد از فوت آیت الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ اسلام گرایان با رهبری امام خمینی (ره) در رقابت با دیگر هویت های فعال و حاضر در فضای سیاسی ایران، به صورت منسجم و فراگیر در عرصه سیاسی ایران در سال ۱۳۵۷ به طور رادیکال و انقلابی ظهور کردند.

از طرف دیگر سیاسی شدن اسلام در جامعه ترکیه به عنوان سکولارترین کشور اسلامی که میراث دنیاگرایی، ملی گرایی و اسلام زدایی آتاتورک از ۱۹۲۳ به بعد پیوسته از طریق مجاری رسمی و حکومتی پیگیری می

۱- بشیریه، حسین؛ جامعه شناسی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۳۹.

شد جریان نواندیشی و هویت دینی و پابندی به مناسک و احکام اسلامی راه خود را می جست و در اعماق جامعه ترکیه ریشه می دواند. آنها در قالب احزاب اسلام گرا در رقابت بانبروهای سکولار ملی گرا و چپ گرا در چند دهه اخیر با به دست آوردن رای اعتماد اکثریت مردم مواجه بوده اند و در انتخابات ۱۹۹۵ به عنوان قویترین نیروی سیاسی کشور تشکیل دولت دادند؛ ولی این تحول سیاسی و اجتماعی جامعه ترکیه، به سود هویت دینی و اسلام گرایان در مقایسه با تحولات دهه های اخیر ایران (تشکیل حکومت اسلامی)، و با وجود اعمال سیاست های تقریباً مشابه با ایران از جانب رژیم حاکم در ترکیه در قبال اسلام گرایان یعنی؛ همان فشارها، طرد و به حاشیه راندن هویت دینی آنها در عرصه سیاسی و اجتماعی، فرایند عملکرد آنها بیشتر صبغه و گرایش لیبرالی داشته است؛ و پروژه غربگرایی آتاتورک در تطبیق با گفتمان پهلویسم در تأثیر گذاری بر کل آحاد جامعه ترکیه زمینه رشد اسلام گرایان لیبرال را در دهه های بعدی فراهم کرده است.

سؤال تحقیق

حال بنا به بیان این مطالب سؤال اصلی را می توان اینگونه صورت بندی نمود. چرا ظهور اسلام سیاسی در ایران به رادیکالیسم سیاسی، و در ترکیه گرایش لیبرالی پیدا کرده است؟

فرضیه تحقیق

وجود زمینه های سیاسی و اجتماعی متفاوت در دو کشور ایران و ترکیه منجر به دو رویکرد متفاوت از اسلام سیاسی شده است.

مفاهیم پژوهش

برخی مفاهیم مهمی که در این تحقیق به کار رفته است عبارتند از:

۱- اسلام سیاسی: این واژه برای توصیف جریان های سیاسی به کار می رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. مفاهیم دیگری چون بنیاد گرایی اسلامی و رادیکالیسم اسلامی نیز در توصیف برخی از جریان های سیاسی اسلامی به کار رفته، اما هیچ یک نمی توانند همانند مفهوم اسلام سیاسی به صورت

فراگیر گروه های سیاسی اسلامی را در بر گیرند. اسلام گرایی نیز مفهومی مشابه با اسلام سیاسی دارد و در این پژوهش آنها را به یک معنا به کار خواهیم برد. البته به نظر می رسد اسلام گرایی نسبت به واژه اسلام سیاسی مفهومی خنثی و غیرجانبدارانه است، زیرا در تعبیر اسلام سیاسی نوعی ذهنیت سکولار نسبت به دین نهفته است که دین را به سیاسی و غیر سیاسی تقسیم می کند. اما در کل در بین واژگانی که در مورد جریانات اخیر اسلامی به کار رفته اند، دو واژه اسلام گرایی و اسلام سیاسی واژگانی مناسب هستند. در یک تعریف کلان، می توان اسلام گرایی را مفهومی دانست که اسلام را در کانون هویت و عمل سیاسی قرار می دهد.

۲- زمینه اجتماعی: این مفهوم در باب جامعه، ساخت اجتماع، طبقات، گروهها، احزاب روشنفکران دینی، نوع معیشت و جریان های است که در تحولات اجتماعی مؤثرند. و یا می توان گفت مکانی است که در آن کنشگران در راستای جهت هدف عمل می کنند. بنابراین زمینه اجتماعی هم امکاناتی در اختیار کنشگران می نهد و هم محدودیت هایی را برای آنها می آفریند. زمینه اجتماعی، سهم خویش را در شکل گیری شخصیت کنش گران و فراهم آوردن شرایط رفتار آنها فراهم می کند. البته کنش گران در شکل گیری شخصیت و کسب و اجرای نقش خویش دارای اختیارند؛ اما زمینه اجتماعی، حدود و انتظارات تقریبی را نشان می دهد.

۳- زمینه سیاسی: این واژه به چگونگی تعامل دولت با گروههای مختلف، ساخت قدرت، عملکرد جامعه مدنی، مشارکت مردم در عرصه سیاست، روند تعامل با احزاب سیاسی می پردازد. البته زمینه سیاسی مستقر در هر اجتماع بر کنش کنش گران و فراهم کردن شرایط هویتی جدید بی تأثیر نیست. بنابراین زمینه سیاسی هر جامعه ای بسترهای تحولات آتی آن جامعه را شکل می دهد.

۴- رویکرد متفاوت: در این مفهوم توجه به نوع پیامدهای عمل سیاسی اسلام گرایان در ایران و ترکیه است. به این لحاظ که در دوران جدید هر دو کشور مسیر نسبتاً مشابهی را به لحاظ سیر تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی طی کرده اند، و حرکت بیداری اسلامی در تاریخ دو کشور سر آغاز تقریباً یکسانی داشته و در عرصه عمومی و حکومتی هر دو یک راه را در پیش گرفتند و آن پیشبرد پروژه نوسازی به سبک غربی (مدرنیزاسیون) که از لوازم آن مقابله و ستیزه همه جانبه با دین در عرصه عمومی، غیر دینی کردن حکومت (سکولار) و مقابله سخت با روحانیون و حوزه های علمیه دینی بوده است اما حرکت بیداری اسلام گرایان در دهه های اخیر در هر دو کشور دو رویکرد متفاوت را طی کرده است به طوری که گرایش اسلام گرایان در ایران به سوی رادیکال شدن و انقلاب و جهت بیداری اسلام گرایان ترکیه به سمت لیبرالی بوده است.

هدف پژوهش

از آنجا که اسلام سیاسی موجود، نشان دهنده احیای مجدد هویت اسلامی در عمل سیاسی هر کشور اسلامی می باشد که داعیه این باورها و اعتقادات می تواند تعیین کننده میزان چینش و مفصل بندی گفتمان های پراکنده اسلامی در هر جامعه ای باشد، پس هدف اصلی در این پژوهش بررسی زمینه های اجتماعی و سیاسی ظهور اسلام سیاسی در ایران و ترکیه می باشد. مسئله ای که تا کنون مطابق با این موضوع «خاص» در هیچ پژوهش علمی مورد توجه واقع نشده است.

روش تحقیق

الف: روش تحلیل داده‌ها

روش تحقیق در این پژوهش روش مقایسه است، که یکی از قدیمی ترین روش‌ها در عرصه علوم سیاسی است، که برخی از متفکران تفکر بدون مقایسه را چندان شایان توجه ندانسته اند. با این حال این روش راهی برای استنباط علمی (توصیفی - علی) از طرف مقایسه نظام مند شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر است. این تعریف با بخش اعظم مطالعات مقایسه‌ای سازگار است. دلیل عمده برای پژوهش مقایسه‌ای منعکس کننده ماهیت اساسی پژوهش در علوم اجتماعی است، بدین معنا که چون تقریباً هرگز نمی توان از روش تجربی استفاده نمود پس باید از روش‌های دیگر از جمله روش مقایسه‌ای بهره برد. که به دو دلیل این تحلیل امری ضروری است: اول برای اجتناب از قوم‌مداری در تحلیل و دوم برای ایجاد آزمون و در نهایت شکل دهی نظریه‌ها، مفاهیم، و فرضیه‌های مربوط به آنها.

روش مقایسه علمی با چهار هدف صورت می گیرد که همه آنها با یکدیگر در یک مطالعه مقایسه‌ای سیستماتیک وجود دارند و یکدیگر را به صورت متقابل تقویت می کنند: توصیف زمینه‌ای، طبقه بندی، آزمون فرضیه‌ها، پیش بینی. توصیف زمینه‌ای به دانشمندان اجازه می دهد تا بدانند که دیگر کشورها چگونه هستند؛ طبقه بندی، از پیچیدگی دنیای سیاست می کاهد و طبقاتی را ایجاد می کند که می توان شواهد تجربی را به صورت مؤثر در آنها سازمان دهی کرد. آزمون فرضیه، به ما اجازه می دهد براساس تبیین‌هایی درباره حوادث کنشگران و ساختارهای سیاسی انجام دهیم و به نظریه‌های عام تر دست یابیم. سرانجام مقایسه کشورها و تصمیم‌های که در نتیجه انجام مقایسه حاصل می شود به ما اجازه می دهند تا به پیش بینی پدیده

ها در باره کشورهایایی که جزو کشورهای مورد مقایسه نبوده اند، یا در مورد پدیده های که عوامل پیش بینی آنها وجود دارند، پی ببریم. پس با این وصف نخستین هدف روش مقایسه ای توصیف پدیده های سیاسی و حوادث یک کشور خاص، یا گروهی خاص از کشورها است.

در مطالعات مقایسه ای از دو سطح تحلیل استفاده شود، یکی سطح تحلیل خرد که فعالیت یا نظر سیاسی افراد را بررسی می کند و تحلیل در سطح کلان بر گروههای از افراد، ساختارهای قدرت، طبقات اجتماعی، روندهای اقتصادی و تعامل دولت - ملت ها متمرکز است. در مطالعه مقایسه ای از روش های کمی و کیفی نیز بهره می گیرند، که در روش کمی با نسبت دادن اعداد به کمی کردن صفات مشاهده شده می پردازد، و از داده های گرد آوری شده از طریق پیمایش ها، نظرسنجی، و داده های ثانویه نظیر میزان جمعیت، تعداد رأی دهندگان، تولید ناخالص ملی، نرخ شورش های شهری، نرخ جنبش های اجتماعی استفاده می شود و در روش های کیفی مورد استفاده در مطالعات مقایسه ای در پی فهم صفات، ویژگی ها و مؤلفه های واحد تحلیل می پردازند و ماهیت روش تمرکز بر تعداد محدودی از کشورها است.

بنابراین، روش تحقیق این پژوهش به صورت تطبیقی - تاریخی بررسی توصیفی، تجزیه و تحلیل داده ها، اطلاعات جمع آوری شده در سطح کلان در دوره مورد بحث، ایران و ترکیه و همچنین شاخص های عمده ظهور اسلام سیاسی و زمینه های سیاسی - اجتماعی حاکم بر دو کشور می باشد.

ب: روش گردآوری داده ها

در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه ای و مطالعه وفیش برداری از کتب و مقالات، مجلات، روزنامه ها و سایر آثار مکتوب استفاده می شود.

حدود پژوهش

در این پژوهش از نظر موضوعی؛ اسلام سیاسی، مکانی؛ جامعه ایران و ترکیه، و زمانی از دهه ۱۳۳۹/م ۱۹۶۰.ش به بعد را شامل می شود.

سازماندهی پژوهش:

در فصل اول طرح تحقیق می‌آید و در فصل دوم به بررسی ادبیات موجود یا پژوهش‌های مرتبط می‌پردازد، در فصل سوم به چارچوب روش و نظریه پژوهش پرداخته می‌شود که بنا به نظر کاستلز پژوهش با الگوی هویت مقاومت به تبیین ظهور اسلام سیاسی در ایران و ترکیه توجه دارد. و در فصل چهارم ظهور اسلام سیاسی در ایران بررسی و ضمن توضیح مبانی اندیشه تشیع و افول و ظهور هویت‌های جدید در راستای نوسازی پهلویسم، بحران دموکراسی و سکولاریسم و نظریه ولایت فقیه، در ادامه در فصل پنجم به ظهور اسلام سیاسی در ترکیه و نقش اسلام و بافت و ساختار اسلام‌گرایان در ترکیه در تقابل با هویت لائیسزم پرداخته می‌شود.

در فصل ششم به صورت توأمان و با نگاهی تاریخی - تطبیقی به بررسی زمینه‌های متفاوت سیاسی و اجتماعی روند شکل‌گیری اسلام سیاسی رادیکال در ایران و فرایند گرایش لیبرالیسم در میان اسلام‌گرایان ترکیه پرداخته می‌شود؛ و در نهایت در فصل آخر یعنی فصل پیشنهاد و نتیجه‌گیری با توجه به مطالب این پژوهش می‌توان گفت که بستر اجتماعی احیاء و مقاوم شدن هویت اسلام‌گرایان در ایران و ترکیه در چند دهه اخیر شیوه نوسازی و مدرنیسم جامعه در چهارچوب هویت غربی و تلاش در راستای حذف هویت دینی آنها بود که بنا به شرایط متفاوت هر جامعه این هویت‌گرایش‌های خاصی یافت.

فصل دوّم :

بررسی ادبیات موجود

□ آثار و پژوهش های اسلام گرایی

□ پیشینه و پژوهش های اسلام گرایی در ایران

□ پیشینه و پژوهش های اسلام گرایی در ترکیه

مقدمه

بی تردید یکی از تحولات عمده سیاسی، اجتماعی قرن بیستم خصوصاً دهه های آخر این قرن پدیدهٔ بر ساخته شدن هویت اسلام گرایی نوین و یا تجدید حیات و ظهور ایده سیاسی اسلام بوده است. در محافل علمی و ژورنالیستی مغرب زمین معمولاً از این پدیده به عنوان بنیادگرایی اسلامی و یا اصول گرایی اسلامی یاد می شود. و سعی شده است بحث های نظری آن در چارچوب مباحث تقابل با هویت غرب، نوگرایی (مدرنیسم) جهان سوم گنجانده شود. و عمدتاً این مباحث بر بررسی اسلام گرایی در منطقهٔ خاور میانه متمرکز شده است.^۱ با این حال تجربهٔ ایران و ترکیه در ظهور هویت اسلام گرایی موضوعی است که کمتر نظریه پرداز و پژوهشگری به آسانی می تواند از کنار آن رد شود.

آنچه که مسلم است اسلام گرایی ترکیه در تطبیق با اسلام گرایان ایران دهه ۶۰ میلادی به بعد در ابعاد گروه های اسلام گرا و گرایش بخشی از جامعه به مبارزه با رژیم لائیک در چارچوب مباحث ارائه شده در خصوص اسلام گرایی نوین در منطقهٔ خاور میانه جای می گیرد، ولی مباحث مربوط به احزاب اسلام گرا خصوصاً حزب رفاه به لحاظ تفاوت فکری از مبارزه با رژیم به مبارزه در رژیم امری است که بسیاری را در نام نهادن احزاب اسلام گرا به جنبش های اسلام گرایی مردد کرده است. ولی دیدگاه مسلط بر آن است که امثال حزب رفاه یک نهضت اسلامی - مردمی هستند که به شیوهٔ احزاب سیاسی عمل می کنند و سازماندهی آنها متکی به پیروانی است که به نوعی بینش و خودآگاهی سیاسی دست یافته اند.^۲

ولی شکل گیری اسلام سیاسی در ایران در راستای سیاست های سکولار پهلویسم و ناکامی دیگر ایدئولوژی ها اسلام گرایان از تعبیرهای اسلامی برای تبیین و وضعیت سیاسی جامعه در چارچوب مذهب تشیع استفاده می کنند و بازگشت به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی را تنها راه حل بحران جامعه معاصربه شمار می آورند.^۳

در این فصل ما ابتدا نگاهی به نظریه ها و دیدگاه های مختلف دربارهٔ اسلام سیاسی با تأکید بر نگاه نظریه پردازان و پژوهشگران دربارهٔ زمینه های ظهور و شکل گیری اسلام سیاسی در ایران و ترکیه خواهیم داشت و در ادامه به دیدگاه های که به طور خاص به اسلام سیاسی در ایران و ترکیه پرداخته اند، نگاه خواهیم داشت.

۱- احمدی، حمید؛ آیندهٔ جنبش های اسلامی در خاورمیانه؛ طرح یک چارچوب نظری، فصلنامه خاور میانه، شماره ۲ و ۳، ص ۵۵.

۲- کسرائی، محمد سالار، اسلام گرایی در ترکیه، تهران، پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سلسله مقالات خاورمیانه شناسی، شماره ۱۵، تیر ۱۳۷۶، ص ۱۷.

۳- حسینی زاده، سیدمحمد علی؛ اسلام سیاسی در ایران، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۶، ص ۱۷.

الف) ۱-۲: آثار و پژوهش‌های اسلام‌گرایی

به رغم وجود تحقیقات مختلف درباره «دین و سیاست» به طور عام و «اسلام و سیاست» به طور خاص، تاکنون هیچ اثر مستقلی به زبان فارسی در ارتباط با تحقیق حاضر و یا حتی به عنوان کلان «بررسی تطبیقی اسلام سیاسی ایران و ترکیه» نمی‌بینیم. در آثار موجود صرفاً بطور موردی ظهور اسلام سیاسی و یا عملکرد نیروهای اسلام‌گرا در ایران و ترکیه جداگانه مورد کاوش و پژوهش قرار گرفته است.

از نکات قابل توجه در این آثار تمرکز عمده آنها بر مباحث جامعه‌شناختی است و از این حیث در حد کلان به مطالعات مقایسه‌ای تاریخی و اجتماعی جوامع اسلامی کمتر توجه شده است. در واقع کمتر اثری می‌توان یافت که بحث ظهور اسلام سیاسی در دهه‌های اخیر را فراتر از مطالعه موردی در یک کشور و بنا به مسائل سیاسی و اجتماعی و به روش تطبیقی دنبال کند. این امر در موضوع خاص این پژوهش که «بررسی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی متفاوت ظهور اسلام سیاسی در ایران و ترکیه» می‌باشد نادرتر است.

در زبان عربی آثار مختلفی با عنوان «الدین والعولمه» یا «الاسلام والعولمه» وجود دارد، اما در این آثار عمدتاً به رابطه کلان اسلام و جهانی شدن تمرکز شده است. در میان معدود آثاری که به تحولات درونی و گفتمانی در اسلام سیاسی پرداخته‌اند، می‌توان به دیدگاه عبدالوهاب مسیری اشاره کرد. او با اشاره به ویژگی‌های اسلام سیاسی پیش از دهه شصت میلادی، ویژگی‌های اسلام سیاسی پس از آن، بیش‌تر به تحول اساسی به وجود آمده می‌پردازد. از نظر مسیری چنین تحولی بر حول محور دولت - ملت سازی مدرن استوار بوده است. که ویژگی اسلام سیاسی پیش از دهه شصت می‌باشد.

از نظر او اسلام سیاسی پس از دهه شصت با مسائل متفاوتی مواجه است. غیر از معدود نگارش‌هایی درباره تحولات اسلام سیاسی، در متون دیگر به طور مستقل درباره مساله اسلام سیاسی، و به ویژه از منظر تحقیق حاضر که به بررسی تطبیقی زمینه‌های متفاوت ظهور اسلام سیاسی در ایران و ترکیه اختصاص دارد، بحث نشده است. بنابراین جهت سهولت کار آثار مرتبط تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

الف: آثار و پژوهش‌های که در ارتباط با مبانی نظری و فکری اسلام سیاسی به ترتیب در دوره کلاسیک و معاصر نگارش شده:

الف-۱) کتاب‌ها

آثار کلاسیک نظیر کتاب «الاسلام السياسي» نوشته محمد سعید العشماوی که در آن به نقد پیوند دین و سیاست می‌پردازد و دیدگاه اسلام سیاسی را به دلیل تبدیل دین به ایدئولوژی نقد می‌کند. او معتقد است اسلام سیاسی با سه ویژگی اصلی قابل شناسایی است:

- تاکید بر اینکه سیاست جزئی از اسلام است و اینکه عمل سیاسی برهر مسلمانی واجب است ؛
- ادعای اینکه جماعت ایشان (وهر جماعتی که از ایشان متأثر است) آنها جماعت مسلمان هستند و آنچه آنها می گویند اسلام صحیح است ، و کسی که از آنها نیست خارج از اسلام بوده وحتی مهدور الدم می باشد ... ،
- تعدی و تجاوز و قتل به نام جهاد .

ویژگی های سه گانه ای که عشاوی برای اسلام سیاسی مطرح می کند با سه ویژگی بنیادگرایی که دیویس و ساگال مطرح کرده اند وبابی سعید به نقد و بررسی آنها می پردازد ، شباهت زیادی دارد . به هر حال العشاوی مانند علی عبدالرازق در اوایل قرن بیستم ، نقد سیاست دینی و اسلام سیاسی را نقد می کند و اندیشه ها و آراء آنها را براساس یک نوع مطالعه اندیشه شناختی به بررسی می کشد . هرچند در اینجا فرصتی برای نقد و بررسی آراء و دیدگاه های او نوعی پیش فرض قرار گرفتن نگرش های غربی را در ارزیابی اصول تفکر اسلام سیاسی مشاهده کرد .

کتاب دیگر «جنبش های اسلامی معاصر» (۱۳۷۴) نوشته سید احمد موثقی که ایشان علاوه براندیشه شناسی ، به ابعاد جامعه شناختی حرکت اسلامی معاصر نیز می پردازد و زمینه های ظهور و فرایند و سرانجام حرکت های اسلامی را توضیح می دهد . از این رو مطالعه او به گونه کارهای ترکیبی نزدیک می شود . ایشان در فصل نخست به ریشه یابی سیاسی - اجتماعی بحران جوامع اسلامی معاصر پرداخته است و پس از گونه شناسی جنبش های اسلامی دردو گونه بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی درفصل دوم ، بقیه اثر خود را به بررسی موردی حرکت های اسلامی اختصاص داده است . گونه دوّم مطالعات اسلام گرایی ، ازمنظر جامعه شناختی ، اسلام گرایی معاصر را بررسی می کنند .

نظیر کتاب «جنبش های اسلامی معاصر درجهان عرب» (۱۳۷۷) نوشته هر ایر دکمچیان که او سعی کرده است با الهام گرفتن از ابن خلدون و ارائه دادن الگوی دوری و تأکید برویژگی بازگشت پذیری حرکت های اسلامی درطول تاریخ اسلام ، ادوار ظهور جنبش های اعتراضی را درتاریخ اسلام برجسته سازد . بحران های جامعه اسلامی و واکنش جنبش های اسلامی به آنها، درتحلیل او نقش کلیدی دارد . جنبش اسلامی معاصر، نتیجه رویارویی جوامع اسلامی بابحران جدیدی است که از تهاجم آموزه های غربی ناشی شده است . از نظر او «اسلام بطور موفقیت آمیزی در برابرمنزوی شدن و درخود فرو رفتن که درغرب برمسیحیت تحمیل شد ، مقاومت کرده است و همین مقاومت علت اصلی کشاکش مداوم میان دین و دولت درجهان اسلام بوده است .» او با تلفیق عناصری از جامعه شناسی تضادطبقاتی مارکسیستی ، نظریه کاریزماتیک ویر و نظریه بحران اسپریگنز و دیگر مطالعات، به تعبیر خود براساس «دیدگاه بومی»، چارچوب مفهومی برای مطالعه خود ارائه می کند . درنگاه او «جنبش بنیاد گرایی اسلامی همچون پدیده ای دوری در نظر گرفته شده که